

جادوگران، بدکاره‌گان، و ساحران انگاره دیو در ایران باستان



ساتنام فارست مندوزا

ترجمه انیس صائب

فرهنگ و اندیشه



انتشارات فرهنگ
مؤسسه عصر انسان شناسی ایرانیان

سرشناسه: فارست، ساتنام مندوزا Forrest, Satnam Mendoza

عنوان و نام پدیدآور: جادوگران، بدکاره‌گان، و ساحران: انگاره دیو در ایران باستان / ساتنام فارست مندوزا؛ با مقدمه پردس آکتور شروو؛ ترجمه انیس صائب.

مشخصات نشر: تهران: فرهامه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص:؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

فروست: فرهنگ و فولکلور

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۴-۶۲-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Witches, whores, and sorcerers : the concept of evil in early Iran, 2011.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۹۱] - ۳۰۳.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: انگاره دیو در ایران باستان.

موضوع: خیر و شر (زردشتی)

موضوع: Good and evil-- Religious aspects-- Zoroastrianism

موضوع: اوستا -- نقد و تفسیر

موضوع: Avesta -- Criticism and interpretation

موضوع: شروو، پرودس او، ۱۹۴۴ - م.، مقدمه‌نویس

موضوع: Skjærvø, Prods O.

موضوع: صائب، انیس، ۱۳۶۱ - مترجم

رده‌بندی کنگره: BL۱۵۹۰

رده‌بندی دیویی: ۵/۲۹۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۵۴۲۹۳۳

جادوگران، بدکاره‌گان، و ساحران
انگارهٔ دیو در ایران باستان

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Forrest, S. K. Mendoza (2011) *Witches, Whores, and Sorcerers: The Concept of Evil in Early Iran*, University of Texas Press



www.farhameh.ir
farhameh@gmail.com

۸۸۴۳۶۲۹ - ۰۹۱۰۴۵۱۷۲۶۱

جادوگران، بدکاره‌گان، و ساحران انگاره دیو در ایران باستان

© حق چاپ: اول، ۱۴۰۰، فرهامه

نویسنده: ساتنام فارس مندوزا

با مقدمه پُرڈس آکٲور شروو

مترجم: انیس صائب

شمایل روی جلد: از اشیای برنزی لرستان؛ نیمه اول هزاره نخست پیش از میلاد

ویرایش: واحد ویرایش مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی و بی‌دی اف و سایر اشکال دیجیتال، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است. این کتاب با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

جادوگران، بدکاره‌گان، و ساحران انگارهٔ دیو در ایران باستان

ساتنام فارست مندوزا
با مقدمهٔ پُرْدَس اَکْتور شَروو
ترجمهٔ انیس صائب



فهرست

پیش‌گفتار مترجم.....	۹
اوستا و ترجمه‌های آن.....	۱۱
پیش‌گفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۷

فصل اول: مطالعه و بررسی یک سنت باستانی..... ۲۵

فصل دوم: ایرانیان و ادبیات آنها.....	۳۳
متون زردشتی.....	۴۰

فصل سوم: جادو و روحانیت زردشت..... ۴۵

فصل چهارم: مفاهیم کلی شر در اوستا.....	۵۷
شر در گاتاها.....	۶۰
شر در اوستای جوان.....	۷۲

فصل پنجم: شرارت‌های «طبیعی».....	۷۷
پیری و بیماری.....	۷۸
آلودگی ناشی از مرگ.....	۸۴
بالایای طبیعی.....	۹۱
خشکسالی و اسطوره تیشتر.....	۹۲
نتیجه‌گیری.....	۹۷

فصل ششم: ساحره‌ها، جادوگران، بدکاره‌گان و زنان دشتان..... ۹۹

..... ۱۰۰	ساحره‌ها و جادوگران.....
..... ۱۱۰	شریران مونث.....
..... ۱۲۰	قاعدگی.....
..... ۱۲۲	سقط جنین.....

فصل هفتم: چشم‌زخم، مُثله‌کنندگان اجساد، دیوپرستندگان و همنشینان..... ۱۲۵

..... ۱۲۵	چشم‌زخم.....
..... ۱۳۲	مُثله‌کنندگان اجساد.....
..... ۱۳۶	آدم‌خواری.....
..... ۱۳۸	دیوپرستندگان و پیروان آنها.....
..... ۱۳۸	همجنس‌گراها.....
..... ۱۴۲	دیو پرستندگان.....
..... ۱۴۶	قربانی‌کنندگان بد و روحانیون آزمند.....
..... ۱۴۹	سارقان و گرگان.....
..... ۱۵۲	ایزدان کمک‌کننده به انسان‌ها در برابر بدکاران.....
..... ۱۵۲	میثَره.....
..... ۱۵۵	ورثَرغنه: درهم‌کوبندهٔ موانع و استحکامات.....
..... ۱۵۷	سروش: نگهبان شب.....
..... ۱۵۹	نتیجه‌گیری.....

فصل هشتم: آیین‌های عزایم‌نشینی و دفع چشم‌زخم..... ۱۶۱

..... ۱۶۱	درمان بیماری‌ها.....
..... ۱۶۵	اسطوره‌های نخستین درمان‌گران و نخستین عزایم‌نشینان.....
..... ۱۶۹	عزایم‌نشینی.....
..... ۱۷۲	خطوط جادویی.....
..... ۱۷۳	مراسم تطهیر برشُوم.....
..... ۱۷۶	تطهیر پس از سقط جنین.....
..... ۱۷۷	دفع مو و ناخن‌ها.....
..... ۱۸۱	جادوی پَر.....
..... ۱۸۸	نتیجه‌گیری.....

فصل نهم: ساختار افسون‌های اوستایی ۱۸۹

ساختار زبانی وردها و لعن‌های اوستایی ۱۹۴

گفتار کنشی وردها ۱۹۸

نمونه‌هایی از یک ورد پیچیده در یشت ۱۹۸

فصل دهم: استفاده از افسون‌های اوستایی ۲۰۷

کمک طلبدن از ایزدان در وردها ۲۰۷

بازدارندگی ایزدان خشمگین ۲۰۸

استفاده از اسامی مقدس ۲۱۱

وردهای درمانی ۲۱۴

ورد نامرئی ۲۱۵

استفاده از متون باستانی به عنوان ورد ۲۱۷

فصل یازدهم: عزایم‌نشینی ۲۲۳

وردها و لعن‌های خاص عزایم‌نشینی ۲۲۳

ورد و لعن در گاتاها ۲۴۴

فصل دوازدهم: نتیجه‌گیری ۲۴۹

یادداشت‌ها ۲۵۹

کتاب‌شناسی ۲۸۵

نمایه ۳۹۸

پیش‌گفتار مترجم

در باب موضوع مورد بررسی به طور خلاصه می‌توان گفت که نویسنده ذره‌بین خود را بر روی افراد کمتر دیده‌شده‌ای در جامعه باستانی ایران می‌گذارد که جادوگر، ساحره و بدکاره در نظر گرفته شده‌اند و به این منظور متون اوستایی و پهلوی را به‌دقت واکاویده است. نویسنده پا را فراتر از صرف توصیف این قشر نامرئی اجتماعی گذاشته و با تحلیل جامعه‌شناختی به پدیده جادو-دین حاکم در ایران باستان پرداخته است. همچنین، راهکارهای اوستایی برای مقابله، ضعیف کردن و راندن این گروه شر را مورد بررسی قرار داده است.

نکته حائز اهمیت در نگارش کتاب حاضر این است که نویسنده از زبانی ادبی و ثقیل استفاده کرده که شاید علت آن کهن بودن موضوع و همچنین استفاده از متون ادبی باستانی بوده است. این امر ترجمه کتاب را به امری دشوار تبدیل کرده بود تا در عین حفظ روح کهن جملات، جنبه روانی آن برای خواننده هم برآورده شود. مترجم به‌رغم بهره‌مندی از تحصیلات تکمیلی در حوزه فرهنگ و زبان ایران باستان ترجیح داد برای ترجمه اوراد و نیایش‌های اوستایی از ترجمه‌های موجود که اثر محققان و استادان بنام و مشهور این حوزه بوده کمک بگیرد. به این منظور به ترتیب برای ترجمه یسنا و یشت‌ها از ترجمه ابراهیم پورداود، وندیداد از ترجمه موسی جوان، و بُندَه‌شُن از ترجمه مهرداد بهار استفاده کرده است.

این نکته را هم باید افزود که در برخی موارد به علت ناقص بودن ترجمه‌های موجود و عدم تطابق ترجمه‌های موجود با متن نقل‌شده در کتاب حاضر، مترجم به‌ناچار خود اقدام به ترجمه متون اوستایی و پهلوی از متن انگلیسی نموده است.

سخن آخر اینکه، فرهنگ ایران باستان همچون دریایی است که گوهرهای نهفته و دست‌نخورده بی‌شماری در آن نهفته است و نمی‌توان این وادی را صرفاً به دست زبان‌شناسان و تاریخ‌شناسان واگذاشت و ورود دانش‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی می‌تواند پرده از رازهای سر به مهر بسیاری بردارد و امید است که با ترجمه این کتاب که به

۱۰ جادوگران، بدکاره‌گان، و ساحران

همت انتشارات فرهامه و راهنمایی دکتر پیمان متین محقق شده است، بخش کوچکی از دین خود را در معرفی این گنجینه ایفا کرده باشم.

انیس صائب

تیرماه ۱۳۹۹

اوستا و ترجمه‌های آن

پُرْدَس اَکْثُور شَرُوو

واژه اوستا به مجموعه نسبتاً کوچکی از متونی اشاره دارد که به طور شفاهی تهیه شده و انتقال یافته‌اند که در دوره اسلامی و شاید تعدادی از آنها حدود سال ۶۰۰ میلادی به صورت مکتوب درآمده‌اند. با وجود این، شواهدی مبنی بر اینکه تمام متون شناخته‌شده در دوره مذکور مکتوب شده‌اند، در دست نداریم. این متون به اوستایی هستند؛ اوستایی زبانی ایرانی متعلق به فارسی باستان (نیای زبان فارسی جدید) است که در شمال شرقی امپراتوری پارس (هخامنشیان: ۵۵۰-۵۳۰ ق.م.) یعنی در مناطق افغانستان کنونی و جمهوری‌های آسیای مرکزی بدان تکلم می‌شده است. این زبان دارای دو شکل زبان‌شناختی است: شکل کهن‌تر که شبیه به زبان هندی کهن ریگ‌ودا است، و شکل متأخر آن به کمی پیش از فارسی باستان بازمی‌گردد (حدود ۵۲۰ ق.م. برای آن تخمین زده شده است). بنابراین، حدود نیمه دوم هزاره دوم و نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد احتمالاً متون موجود به حافظه سپرده می‌شده‌اند. شواهد باستان‌شناسی قابل توجهی از این مناطق در دست داریم که به این دوره‌ها برمی‌گردند اما به علت فقدان شواهد مکتوب ارتباط دادن این شواهد با متون اوستایی غیرممکن است. این بدان معناست که ما از بسترهای دقیق تاریخی آنها آگاهی نداریم.

اوستای کهن دربرگیرنده «گاهان زردشت» است، گاهان پنج سرودی است که به پیامبر، زردشت، نسبت داده شده‌اند؛ و اوستای متأخر، متون متفرقه آیینی است که یسنا،

یشت‌ها و ویدوداد^۱ (یا: وندیداد) در میان آنها جا دارند. یسنا: در مراسم آیینی مربوط به صبح‌هنگام خوانده می‌شوند؛ یشت‌ها: سرودهایی در نیایش خدایان هستند؛ و ویدوداد (یا: وندیداد): که شامل دستوراتی برای دور نگه‌داشتن دیوان بوده و در یسنا گنجانده شده و در مراسم تطهیر بازخوانی می‌شوند.

این متون از دست‌نوشته‌های مربوط به قرون سیزدهم تا نوزدهم شناخته شده‌اند که ظاهراً تمام آنها به نمونه‌های اولیه بازمی‌گردند که حدود سال ۱۰۰۰ نوشته شده‌اند، و این بدان معناست که شکاف قابل توجهی در سنت مکتوب وجود دارد، یعنی حذف‌های زمانی میان مکتوب‌شدن این متون، نمونه‌های اولیه و دست‌نوشته‌های موجود و بازمانده. این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که اوستا همانند کتاب مقدس یک «کتاب» واحد نیست، بلکه متون جداجدایی هستند که به دست‌نوشته‌های جداگانه‌ای انتقال یافته‌اند. طی قرون نوزدهم و بیستم این متون فقط در ویرایش‌های غربی تبدیل به کتاب شدند.

آشکار است که ترجمه‌های این متون مشکلاتی را ایجاد می‌کنند. ترجمه‌های ارائه شده در این کتاب با کنار گذاشتن مباحث مربوط به ترجمه‌های مشکل‌ساز و علامت‌گذاری نمونه‌های نامشخص یا حدسی با علامت سؤال درون قلاب [؟] مشخص شده‌اند. متون تحریف‌شده یا ناخوانا کنار گذاشته شده و گاهی علامت‌گذاری شده‌اند.

پیش گفتار

چندین سال پیش که در بنگال بودم و در روستایی کوچک اقامت داشتم و در حال انجام تحقیقی بودم، یک بعدازظهر تصمیم به قدم زدن در جاده‌ای اسرارآمیز گرفتم. همانند اغلب خارجی‌ها از خطری که در تاریکی کمین کرده بود، ناآگاه بودم. آسمان بر فراز درختان تقریباً سیاه، آبی سیر شده بود و افراد اندکی که با عجله به سمت خانه در حال حرکت بودند بر و بر مرا نگاه می‌کردند انگار که موجودی سهر دیده باشند. من که کاملاً به این امر عادت کرده بودم راه خود را به سمت گوری که در اوایل روز آن را کشف کرده بودم، ادامه دادم. خوشبختانه، یکی از زبان‌آموزان جوان من با مادرش در حال عبور بود. برخلاف خوش‌ویش من، آنها کاملاً نگران به نظر می‌رسیدند.

زمانی که در مورد جست‌وجو و کاوش خود توضیح دادم، دخترک هشدار داد که «آنجا نرو»، «آنجا محل زندگی اجنه است. آنها هرچیز که دلت بخواهد، به تو پیشکش خواهند کرد اما بعد روح تو به آنها تعلق خواهد گرفت.»

من که خیلی علاقه‌مند به دیدن اجنه بودم، از دخترک در مورد اینکه تابه‌حال آنها را دیده است یا نه سؤال کردم. او ندیده بود اما به من هشدار داد «تو می‌توانی آنها را از پاهایشان بشناسی، چون نمی‌توانند پاهایشان را پنهان کنند. پاهای آنها شبیه چنگال‌های پرندگان غول‌پیکر است.»

از آنجا که سریع به راه خود ادامه دادند، به‌سختی توانستم از آنها تشکر کنم. به راه افتادم تا شاید یکی از این اجنه را ببینم، اما ظاهراً به مرخصی رفته بودند. اجنه ارواح شیطانی هستند که در صحراها و بیابان‌های عرب سکونت داشته، در شب‌های تاریک

زوزه کشیده و اغلب رهگذری نگون بخت را تسخیر می‌کرده‌اند. هرگز نخواهیم دانست که چگونه آنها سر از بنگال درآورده‌اند، اما به تصور من تخیل مسلمانان با وارد کردن داستان‌های دلپذیر اعراب مسئول آوردن اجنه بوده‌اند.

در این راه بود که با چیزهایی که مردم آنها را شیطانی در نظر می‌گرفتند، شگفت‌زده شدم. همیشه امور شیطانی چیزی نیست که با اخلاقیات مرتبط باشد، چنان‌که در غرب ما هم چنین تفکری داریم. زمانی که احمقانه برای گرفتن یک حشره خرچنگ‌مانند که داشت روی سقف معبدی در هند تندتند می‌رفت تلاش می‌کردم، متوجه نگاه‌های وحشت‌زده مردم بر روی خودم شدم. اگرچه آنها به من هشدار دادند که به آن دست نزنم، اما از حالت‌هایشان این‌گونه برداشت کردم که ترس آنها تنها به علت سم آن موجود نیست. نوع ترس و هراس آنها از این موجود مختص شیطان بود. درواقع، بعدها به من گفته شد که آن، موجودی «بدشگون» بوده است.

با آغاز تحقیق در مورد آیین زردشت، بالأخره شیطان مرا به دام انداخت. فهمیدم که شیطان چیزی پیچیده، گاهی اوقات منجرکننده اما درعین حال جذاب بود. هرچند، منابع موجود برای مطالعه در این ارتباط نادر هستند. به حال محققان سنت‌های هندی به علت در اختیار داشتن منابع غنی غبطه می‌خورم، با وجود این دلایلی برای محقق در مطالعه و تفحص دین وجود داشت تا از حقایقی لذت ببرم که تعداد اندکی از همقطاران از پس مباحث ایران کهن برآمده‌اند. من مطالعه سنت زردشتی را در حوزه فقه‌اللغه‌دانان دانستم که برای ترجمه و ارائه متون دشوار تلاش‌های متهورانه‌ای انجام داده و می‌دهند. مطالعه متون ایرانی توسط محققان دین بنا به دلایلی مختل شده است. مهم‌ترین دلیل آن، تحریف متون توسط کاتبان بوده است. به عنوان مثال، اوستا متنی شفاهی بوده که شاید از نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد به صورت سینه‌به‌سینه منتقل شده است. سرانجام در پایان دوره ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ م.) به شکل مکتوب درآمد، اما دست‌نوشته‌های موجود به قرون سیزدهم تا چهاردهم برمی‌گردند. موبدانی که متون را به صورت شفاهی و نوشتاری منتقل کردند، به علت ندانستن زبان اصلی موجب تحریف این متون شدند.

اغلب ترجمه‌های موجود در این کتاب از اوستا هستند. در مواردی جهت اجتناب از قطعات طویل، برخی از ترجمه‌های مورد استفاده را تفسیر و کوتاه کرده‌ام و جهت رفاه

حال خوانندگانی که خواستار تحقیقات بیشتر هستند، منابع ترجمه‌های انگلیسی را ارائه داده‌ام. تمرکز خود را بر روی دوره اوستا و متون اولیه پهلوی، به‌جز تعدادی از متون متأخر مثل روایات پارسی، گذاشته‌ام. از آنجا که مجبور شدم وزن کتاب را برای چاپ سبک کنم، نتوانستم تمام نظرات و عقایدی را که در گذشته در مورد فهم و شناخت اوستا پیشنهاد شده بود، بگنجانم. از این‌رو، از تمام محققان اندیشمند حوزه سنت‌های ایرانی عذرخواهی می‌کنم.

بیش از هر چیز، می‌خواستم عشق و علاقه خود را به این اسطوره‌های جذاب با دانشجویانم و سایر افراد به اشتراک بگذارم تا شاید آنها هم بتوانند از جهان شیاطین لذت ببرند.

مقدمه

مشکل جدی در بررسی و مطالعه زردشتیت، مفهوم زردشت^(۱) به عنوان یک پیامبر است؛ اصلاحگر آنچه که اغلب از آن به عنوان سنت شرک‌ورزی ایرانی یاد می‌شود. نتیجه، شناخت «رساله^۱» زردشتیت است که میان یک دوره فاسد بی‌قانونی و چندخدایی تمایز قائل شده که دوره طلایی تعلیم زردشت مشخصه آن است و بازگشت مجدد به دوره چندخدایی قدیمی با حاکمیت خرافات را به دنبال دارد.

درازدتی است که اغلب دانشمندان دین نوع تفکری را که توحید «اخلاقی» در برابر چندخدایی «خرافاتی» قرار می‌دهد، رها کرده‌اند. سنت‌ها فقط سنت بوده و یکی بهتر از دیگری نیست. وظیفه ما فقط بررسی کردن است و نه قضاوت. من با این تفکر به متون نزدیک می‌شوم. متأسفانه، برای محققان سنت‌های اولیه ایرانی موارد اندکی علاوه بر متون وجود دارد. بنابراین، ما باید اجازه دهیم که متون با ما «صحبت» کنند. ما هیچ تصویری از نوع ایمان و عمل گروه‌های مخالف و منزوی شده نداریم. با این حال، اوستا به طور غیرمستقیم هویت و برخی از شیوه‌های بیگانگان را در برابر این سنت‌ها آشکار می‌کند - حداقل مواردی که موجب آزار زیاد نویسندگان شده است.

از آنجا که عقاید راجع به شر مطالب زیادی را آشکار می‌کنند، بنابراین بررسی و فهرست‌بندی آنها را مفید دانستم. متون علاوه بر جهان‌بینی موبدان برجسته، می‌توانند مشکلاتی را روشن کنند که مردم به طور کلی در هنگام برخورد با این سرآمدگان، غالباً

تحت حمایت دولت، با آن روبه‌رو می‌شدند. به عنوان مثال، ممکن است دانشمندان از وظایف زنان در زمان خلقت اوستا اطلاعات کمی داشته باشند، اما می‌توانیم از طریق قوانینی که باید پیروی می‌کردند، نگرش کاهنان نسبت به زنان و اینکه چه مجازاتی علیه آنها در نظر گرفته می‌شده، آگاه شویم. وقتی متون به موضوع زنان می‌پردازند، معتمد که می‌توان چیزهای بسیار مهمی در مورد خود مفهوم شر به دست آورد. دقیقاً هنگام پرداختن به موضوع زن است که ابهام شر در ایران آشکار می‌شود.

در نگاه اول، ممکن است این تصور ایجاد شود که مفاهیم خیر و شر برای ثنویت‌گرایان ساده است. اما اصلاً به نظر نمی‌رسد هنگام بررسی نظرات آنها در مورد انسان چنین باشد. اوستای متأخر جدایی آشکاری را میان اهورامزدا^۱ نیک (که در متون ساسانی و متأخر اوزمزد^۲ نامیده شده) و روح شر، انگره مینو^۳ (اهریمن در متون ساسانی و متأخر) و خلقت‌های مربوط به آنها قائل نمی‌شود. انسان‌ها تصویر فریبنده‌ای به وجود می‌آورند. انسان‌ها و بویژه زنان از وضعیتی عجیب برخوردار هستند. اگرچه اهورامزدا^۱ نیک آنها را آفریده است، اما انسان‌ها، همچون خدایان بزرگ، قدرت انتخاب دارند: آنها می‌توانند خیر یا شر را انتخاب کنند.

زنان می‌توانند خیر یا شر را انتخاب کنند، اما مسئله از جایی پیچیده می‌شود که، بر اساس این متون، بدن زن طبیعتاً به دلیل آلودگی به خون با شر مرتبط است. در مباحث مربوط به موجودات اهریمنی مؤنث به این مفهوم جالب خواهیم پرداخت. موجودات مؤنث در اوستا به عنوان دیوان مهم یا طبقه‌ای از دیوان نیز ظاهر می‌شوند. مجازات‌های علیه شرارت به ما بینشی در مورد مشاغل آنها می‌دهد؛ مشاغلی چون تأمین سلامت زنان و در ارتباط با سقط جنین است که این ارائه‌دهندگان خدمات سلامت را مظنون به جادوگری جلوه می‌دهد. «جادو» یا جادوگری مورد استفاده این زنان چه بوده است؟ آیا داروهای مورد استفاده آنها گیاهی یا ترکیبی از داروهای گیاهی و جادوها بوده است؟

با توجه به این منابع محدود، علاوه بر حدس و گمان باید چیزهای ممنوعه در سنت را نیز یاد بگیریم. اگر اوستا ارائه‌دهندگان سقط جنین را محکوم می‌کند، پس باید فرض

1. the good god Ahura Mazda

2. Ohrmazd

3. Angra Mainyu

را بر وجود داشتن این دسته از افراد قرار دهیم. وقتی متون خوردن سگ‌ها را منع می‌کنند، با اطمینان می‌توان فرض کرد که افرادی وجود داشته که سگ می‌خورده‌اند. قطعاً این موضوع در فرهنگ‌های دیگر بی‌سابقه نیست. به همین ترتیب، وقتی متون از جادوگران و سایر بدکاران شکایت می‌کنند، باید در مورد منظور آنها بیندیشیم. آیا آنها پیروان سنت‌های دیگر بوده‌اند؟ آیا آنها واقعاً از جادوی جایگزینی استفاده می‌کرده‌اند؟

در این مرحله، گفتن چند کلمه در مورد اصطلاحات بسیار مهم است. کلمه «جادو» مملو از سابقه طولانی درگیری لفظی است. این کلمه شبیه به واژه «دین»^۱ است، به این علت که تعریف آنها هرگز هیچ محقق را راضی نکرده و بنابراین گریزان خواهند ماند. تا همین اواخر، جادو معنای تحقیرآمیزی داشت. در گذشته، دانشمندان بین جادو و دین تمایز قائل شده و تلاش‌های بی‌شماری برای تمایز این دو انجام داده‌اند. علی‌رغم تلاش‌های بسیار در راستای اینکه چه چیزی جادو و دین را متفاوت می‌کند، هنوز هم هیچ اجماعی وجود ندارد. همان‌طور که پیش از این اشاره کردم، مطالعه سنت‌های اولیه ایرانیان بیشتر در حوزه فقه‌اللغه انجام شده است تا در حوزه مطالعه دین یا انسان‌شناسی. به همین دلیل، ما می‌بینیم که برخی از محققان مطالعات ایرانی هنوز عباراتی را به کار می‌برند که علمای دین امروزی هنگام توصیف آیین‌ها و عقاید مختلف، آنها را کهنه و منسوخ می‌پندارند.

ادیان می‌توانند قواعد جادویی را به کار گرفته، اقدام به اجبار کرده، عمومی یا خصوصی باشند، و موارد دیگر. بنابراین، شاید با نگاه به بخش جادویی هر دینی، بتوانیم جنبه‌هایی را از هم جدا کرد که ممکن است در تضاد با اندیشه صرفاً کلامی باشند. نظر من این نیست که دین اوستایی را به علت قرار گرفتن در برابر سایر ادیان، به عنوان دین جادویی تفکیک کنیم. درواقع، می‌توان همه ادیان را به شیوه مشابهی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

در مورد دین مؤلفان اوستا، فقط متون موجود را برای راهنمایی در اختیار داریم و با توجه به قدمت باورنکردنی کهن این دین، این منابع واقعاً اندک هستند. عناصری که می‌توانیم به عنوان جادویی از هم جدا کنیم، تأثیر زیادی در توسعه متأخر الهیات در

زردشتیت داشته‌اند، زیرا طی تعامل با اسلام از قرن هفتم به بعد، انسجام آن شروع شد. با قرار گرفتن موجودات سحرآمیز و جادویی در برابر خدای قادر مطلق اسلام، روشن‌سازی شر در نظام ثنویت برای متکلمان زردشتی مهم شد.

تعریف ذیل را از آثار انسان‌شناسی قدیمی‌تر، از مالینوفسکی گرفته تا «جادو-دینی»^۱ وَن‌زِنپ، جمع‌آوری کرده‌ام که با ارائه تعریفی از جادوگری به عنوان بخشی از فرآیند دینی نه مخالف با آن، پایان می‌یابد. این مفهوم را با این کتاب همساز کرده‌ام، اگرچه به هیچ‌وجه ادعا نمی‌کنم که می‌توان از آن به عنوان یک تعریف کلی استفاده کرد. ظاهراً استفاده خسته‌کننده از کلمات «جادو»، «ورد»، «تفرین»، «جادوگر» و غیره ناگزیر است.

(۱) جادو دربرگیرنده یکسری کلمات و مناسک است تا با توسل به اجبار یا التماس از نیروهای فراتر از قلمرو انسان‌ها نتیجه مطلوب را ایجاد کنند. این اساساً همان دعا و نیایش بوده به‌جز اینکه اهداف آن مواردی است که در نکته شماره ۲ در ذیل آمده است.

(۲) قلمرو جادو عمدتاً عملی است، زیرا استفاده از جادو معمولاً دارای یک هدف است، بخصوص زمانی که برای سرکوب بیماری، بدبختی‌ها و موجودات شیطانی به کار برده می‌شود. این می‌تواند در مقابل نیایش و ستایش ساده قرار بگیرد، که این از ویژگی‌های اوستا نیز هست.

(۳) آیین‌های جادویی معمولاً خصوصی یا به شکل پنهانی بوده و توسط متخصصان آن در مکان‌های غیرعمومی انجام می‌شوند. مانتراها یا وردها، اگر بخواهیم واژه‌ای گسترده‌تر و البته با بار معنایی بیشتر استفاده کنیم، در میان موبدان دست‌به‌دست شده که به‌نوعی خویشاوند زردشت محسوب می‌شوند.

(۴) سحر و جادو حول یک مانترا یا ورد می‌چرخد که از زبان خاصی استفاده کرده و غالباً حاوی اشارات و تلمیحات اساطیری است. این امر اغلب استفاده از واژگان گاتاهاست که با قدمت خود، حالتی مقدس را به دست آورده‌اند.^(۲)

همیشه برای هر قاعده استثنائات زیادی وجود دارد، همان‌طور که مطمئناً محققان

تاریخ دین و انسان‌شناسی به آنها اشاره خواهند کرد. برای پیچیده‌تر کردن مسائل، واژگان خاصی که معنای موهین و ناشایستی کسب کرده همیشه مشکل‌ساز خواهند بود. آیا می‌توانیم کاملاً از این واژگان اجتناب کنیم؟ من با اچ. اس. ورسنیل موافقم که ممکن است این موضوع غیرممکن باشد و اینکه «تنها جایگزین واقعی حداقل طراحی کردن یک تعریف عملی از مفهومی است که می‌خواهید به کار بگیرید.»^(۳) در عین مراقب‌بودن که معناهای قدیمی به کلمات ما رنگ و بو بدهند، ولی نوعی اجتناب از آنها ناخوشایند است. با نگاهی به لعن و نفرین‌های اوستایی، می‌توانم از عبارت «نیایش‌های قضایی»^۱ ورسنیل استفاده کنم؛ زیرا طبق نظر وی، نویسنده طرف آسیب‌دیده است و به همین دلیل هنگام التماس و تضرع به ایزدان، در برابر شیاطین، احساس توجیه‌شدن به او دست می‌دهد.^(۴) درواقع، این امر همان مورد همتایان اوستایی است. با این‌حال، ورسنیل با استفاده از عبارت «نیایش‌های قضایی» برای کتب لعن و نفرین‌های یونانی-رومی^۲ مخالف است. آن‌گونه تمایز قائل شدن در ارتباط با مؤلفان اوستا، که در مقابل به‌اصطلاح جادوگران و سایر چیزهای شیطانی مخالف آنها قرار گرفته‌اند، مشکل‌ساز می‌شود، به این دلیل که نمی‌دانیم این جادوگران چه کسانی بوده و البته نمونه‌ای از کتب آنها هم در اختیار نداریم. اگر بخواهیم بین رویکردهای مؤلف یا مؤلفان گاتاها و اوستای متأخر ارتباط برقرار کنیم، حداقل به روشی که دشمنان خود را انتخاب کرده (و می‌دانم این موضوع مشکوک بوده و چالش‌های فراوانی را پیش رو می‌گذارد)، در آن‌صورت راه‌های اندکی برای بررسی دیوان باقی می‌ماند. آنها موجودات به‌اصطلاح شرور که مؤلفان اوستا را به ستوه آورده، شامل سه نوع می‌شوند: دیوان نامرئی، افرادی که درواقع جادوی سیاه را به کار می‌گیرند (یا در سنسکریت: آژی‌کاره^۳) و همچنین افراد عادی از فرقه‌ها یا ادیان مخالف. دلیل ناگزیر دیگر برای تأمل در این واژگان آن است که نحوه تفکر مؤلفان اوستا بر اساس جادوی خوب و بد بوده است. آنها انجام‌دهندگان جادوی بد را ساحره، جادوگر و غیره نامیده‌اند. همچنین، این افراد را به علت غصب کردن آیین‌ها و استفاده از آنها برای اهداف شوم متهم کرده‌اند. می‌توان چنین نتیجه

1. judicial prayers
2. defixiones
3. abhicāra

گرفت که شیوه‌های واقعی جادوی خوب و بد همیشه هم متفاوت نبوده‌اند.

در تحلیل نحوه تعامل اوستا با شر و چگونگی مبارزه با آن، تعریف من از «جادو» معقولانه جواب داده است. تا آنجا که به واژگان «پورد» و «نفرین» مربوط می‌شود، و در تلاش برای ایجاد نتیجه مطلوب از آنچه که آن را «جادو» نامیده‌ام، این‌ها مانتراهایی^(۵) هستند که بعداً مورد بحث قرار خواهند گرفت.

مبهم بودن منابع در متون اولیه اوستایی، مشکل دیگر در شناسایی شر در اوستاست. بعضی اوقات در متون پسا-اوستایی توضیح داده شده، و گاهی اوقات اسطوره‌ها خودشان را نشان می‌دهند. ما هیچ راهی نداریم که بدانیم آیا این جزئیات الحاقات بعدی بوده که برای توضیح قسمت‌ها و قطعات مؤلفان اولیه ارائه شده‌اند یا توضیحاتی هستند که سینه‌به‌سینه نقل شده و در نسخه‌های متأخر گنجانده شده‌اند. در پیروی از مثال وِندی دونیگر در کار خود درباره شر در سنت هندو^(۶)، با اشاره به تألیفات نخستین و سپس دنبال کردن آنها با تألیف‌های بعدی و مربوطه از طرح موضوعی استفاده خواهم کرد. در عین حال با در نظر داشتن اینکه مفاهیم با گذشت زمان تغییر و توسعه می‌یابند، این رویکرد ممکن است به چندین روش کمک کند. به عنوان مثال، می‌توان ایده بنیادی را در اوستا یا حتی گاتاها بررسی کرده و سپس روش‌های تفسیر مفاهیم توسط مؤلفان بعدی را مشاهده کرد. با توجه به اینکه نویسندگان تألیف‌های پهلوی در زمانی کار می‌کرده‌اند که با مباحث جدلی در دوره سلطه مسلمانان دست‌وپنجه نرم می‌کرده‌اند، این موضوع جالب توجه است.

با استفاده از این روش می‌توانیم به عنوان مثال بپرسیم «اوستا راجع به زنان چه گفته است؟» با توجه به اینکه این سنت در برابر نیروهای خارجی واکنش نشان می‌دهد، چگونه این موضوع تداوم پیدا کرده یا دچار تغییر و تحول می‌شود؟ در عین حالی که استفاده از منابع متأخر برای شرح و توضیح کامل منابع قدیمی‌تر شاید محتاطانه نباشد، اما نگاهی به منابع موجود در تألیف‌های قدیمی‌تر و به مضامین خاصی مانند دفع اجساد مردگان، و ارتباط آنها با متون بعدی که ظاهراً تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌اند، شیوه‌ای معتبر برای تحقیق است. ارائه تصویری کامل‌تر از این سنت، کمک دیگری است که ارائه مطالب به صورت موضوعی به ما خواهد کرد.

این کتاب به این سؤال می‌پردازد که چگونه شر را درک و طبقه‌بندی کنیم، و سپس

اینکه چگونه در روایات اولیه ایرانی با آن مقابله شده است. تحقیق در مورد زندگی جادوگران، بدکاره‌گان، جادوگران و افراد دیگری که تصور می‌شده شر در آنها رخنه کرده است، نکته مهم این پژوهش است. هدف از ورد و دعا‌های موبدان، رماندن این دسته از افراد است. اگرچه این موجودات «شر» جالب‌تر از موبدان بوده، اما نمی‌توانند صحبت کنند. تنها از طریق افراد متنفر از آنها می‌توان چیزی در مورد این موجودات کشف کرد.